# 950122-734

**‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌یک‌شنبه – جلسۀ 108**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

... قسم اول این بود که شب نشده قبل از غروب آفتاب از منی خارج می‌شود و تا اذان صبح مشغول اعمال حج با مقدمات و مستحبات آن می‌شود که ایشان فرمودند این کار بلامانع هست هر چند بهتر این هست که هنگام اذان صبح به منی برگردد و اینقدر اعمال را طول ندهد که تا اذان صبح در مکه باشد.

دلیل ایشان دو روایت بود:

یکی صحیحه معاویة بن عمار که الرجل زار عشاءً فلم یزل فی طوافه و دعائه و فی السعی حتی یطلع الفجر قال: لیس علیه شیء کان فی طاعة الله.

ایشان فرمودند مورد این صحیحه کسی است که شب از منی خارج شده، زار عشاء. و بعدا توضیح خواهیم داد ایشان هم این را قبول دارند که زار عشاء أی: خرج من منی عشاء بغرض الزیارة. از منی شب‌هنگام خارج شده به قصد زیارة البیت نه این‌که قبل از غروب ‌آفتاب خارج شده و شب زیارت کرده. به قرینه سائر روایات زار عشاء یعنی خرج من منی عشاء‌ بقصد الزیارة. پس مورد این صحیحه منطبق بر این قسم اول نیست که فرض شد قبل از غروب آفتاب از منی خارج شده ولی علتی که ذکر شده در این صحیحه معمم هست: کان فی طاعة الله.

این وجه که با مبانی ایشان نمی‌‌سازد. و لذا این وجه ظاهرا از روی غفلت در کلام ایشان مطرح شده. چون که ایشان این کان فی طاعة الله را علت گرفت برای نفی کفاره. فرمود: چون این شخص در ترک بیتوته در منی و اشتغال به مناسک حج امتثال امر خدا کرده پس کفاره‌ای بر او نیست. خب اول الکلام است که کسی که قبل از غروب آفتاب از منی خارج می‌شود و تا اذان صبح در مکه مشغول مناسک حج می‌شود این امتثال امر خدا کرده باشد. شاید امر خدا راجع به این شخصی که قبل از غروب آفتاب از منی خارج شده این است که هنگام اذان صبح برگردد منی. صحیحه محمد بن مسلم گفت: فی الزیارة اذا خرجت قبل غروب الشمس من منی فلاتصبح الا بمنی.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره اطلاق دارد صحیحه محمد بن مسلم.

و این صحیحه معاویة بن عمار در مورد کسی است که امتثال امر خدا کرد در خروج از منی و اشتغال به مناسک حج و اول الکلام است خروج از منی قبل از غروب آفتاب و بودن تا اذان صبح در مکه و لو برای مناسک حج مصداق امتثال امر خدا باشد. هذا اول الکلام است.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه محمد بن مسلم: قال فی الزیارة اذا خرجت قبل غروب الشمس من منی فلاتصبح الا بمنی.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم آقای زنجانی ما هم مثل ایشان معنا کردیم صحیحه معاویة بن عمار را که کان فی خروجه من منی و اشتغاله بمناسک الحج مطیعا لله فلایجب علیه الکفارة. ما این‌طور معنا کردیم. و آقای زنجانی هم همین‌طور معنا کردند. و اول الکلام است کسی که خارج بشود از منی قبل از غروب آفتاب این مصداق مطیع امر خدا باشد. هذا اول الکلام. بلکه اطلاق صحیحه محمد بن مسلم می‌گوید که ان خرجت قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی و مورد صحیحه محمد بن مسلم هم زیارت است: قال فی الزیارة اذا خرجت قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی.

و لذا قدر متیقن از صحیحه معاویة‌ بن عمار کسی است که بعد از دخول لیل از منی خارج بشود مگر الغاء‌ خصوصیت بکنیم؛ بگوییم چه فرق می‌کند قبل از غروب آفتاب از منی خارج بشویم یا بعد از غروب آفتاب از منی خارج بشویم. فرض این است که ما بیتوته نیمه اول را که در منی نبودیم. نیم ساعت بعد از اذان مغرب از منی خارج بشویم یا نیم ساعت قبل از اذان مغرب فرقی نمی‌‌کند. این می‌شود الغاء‌ خصوصیت. ما الغاء خصوصیت را قبول داریم. و لذا خودمان الغاء‌ خصوصیت می‌کنیم. اما ایشان فرمود علت معمم است. ما اشکال‌مان به ایشان این است. اگر ایشان می‌فرمود بعد از فرارسیدن شب از منی خارج بشویم یا قبل از فرارسیدن شب از منی خارج بشویم چه فرق می‌کند؟ ما که تا نیمه اول را در منی نبودیم چون اگر تا نیمه اول در منی باشیم برای نیمه دوم هر کجا بخواهیم می‌توانیم برویم؛ نیازی نیست که ما مشغول اطاعت خدا بشویم در نیمه دوم. نیمه شب که در منی بودیم بعدش هرکجا بخواهیم فلایضرک ان تبیت بغیر منی ان خرجت بعد نصف اللیل.

پس این صحیحه معاویة بن عمار ابتداء شب را از منی خارج بشویم برای زیارت گفت: کان فی طاعة الله. و ما الغاء خصوصیت می‌کنیم می‌گوییم حالا نیم ساعت قبل از اذان مغرب خارج بشود حکمش با این یکی است عرفا. اما اشکال ما به آقای زنجانی این است که چرا به عمومیت علت تمسک کرده است؟

[سؤال: ... جواب:] زار عشاء خروج عشاء است به غرض زیارت. ... خروج از منی در هنگام شب. زار عشاء را خود ایشان هم همین‌طور معنا کرد. و درست هم این است. بعدا هم توضیح خواهیم داد: زار عشاء یعنی خرج عشاء بقصد الزیارة. ... عشاء یعنی اول شب نه غروب. عشاء یعنی اول شب. اول شب خارج شد در مقابل خروج نهارا. خروج عشاء‌ یعنی خروج اول شب. زار عشاء هم این است که خرج عشاء اول شب خارج شد. این مطالب را که خود ایشان قبول دارد. خود ایشان قبول دارد مصداق زار عشاء کسی است که اول شب از منی خارج شد و شامل کسی که در قبل از غروب آفتاب از منی خارج شده باشد نمی‌‌شود. فرموده علت معمم است. و اشکال ما به ایشان این است که چطور شما علت را معمم می‌گیرید؟ علت می‌گوید که این آقا در خروجش از منی و اشتغالش به مناسک حج مصداق مطیع لله بود. اما کسی که قبل از غروب آفتاب هم از منی خارج بشود او هم مصداق مطیع لله است؟ هذا اول الکلام. صحیحه محمد بن مسلم می‌گوید نخیر؛ ان خرجت قبل غروب الشمس فلاتصبح الا فی منی. و مورد صحیحه محمد بن مسلم هم زیارة البیت است. اما اگر ایشان الغاء‌ خصوصیت می‌کرد مطلب درستی بود.

دلیل دوم صحیحه صفوان هست. در این صحیحه صفوان فرموده که قال ابوالحسن علیه السلام سألنی بعضهم عن رجل بات لیالی منی بمکة فقلت لاأدری. حضرت فرمود تقیه کردم گفتم نمی‌‌دانم. فقلت له جعلت فداک ما تقول فیها. عرض کردم یابن رسول الله حالا به آن آقا فرمودید نمی‌‌دانم و تقیه فرمودید بالاخره حکم این شخصی که بیتوته کرده است در شب‌های منی در مکه، حکم این چیه؟ فقال علیه السلام علیه دم شاة اذا بات. فقلت: انما کان حبسه شانه الذی کان فیه من طوافه و سعیه لم یکن لنوم و لا لذة أ علیه مثل ما علی هذا؟ فرض بفرمایید که این شخص بخاطر طواف و سعی در مکه ماند، ان کان انما حبسه شأنه الذی کان فیه من طوافه و سعیه لم یکن لنوم و لا لذة أ‌علیه مثل ما علی هذا؟ او هم باید کفاره بدهد؟ فقال ما هذا بمنزلة هذا. نخیر. و ما احب ان ینشق الفجر الا و هو بمنی. نخیر؛‌ کسی که بجای بیتوته در منی در مکه بماند برای اعمال حج این مشکلی ندارد. ولی من دوست ندارم که هنگام اذان صبح در منی نباشد. در هنگام اذان صبح به منی برود.

ایشان فرموده‌اند که با دو مقدمه ثابت می‌کنیم که این مورد، موردی است که تمام شب را در مکه مشغول عبادت بوده. چطور؟ که قسم اول همین است که تمام شب را مشغول عبادت باشد بما فیها من مقدمات المناسک و مستحبات المناسک.

مقدمه اول ایشان این است که این روایت می‌گوید علیه دم شاة اذا بات. اگر بیتوته کند این آقا در مکه باید کفاره شاة بدهد. بعد فرمود البته در صورتی که بیتوته‌اش بخاطر مناسک حج نباشد. روایت دیگری داریم صحیحه علی بن جعفر که تقیید می‌زند علیم دم اذا بات را. می‌گوید علیه دم اذا بات به شرط این‌که قبل غروب آفتاب خارج بشود از منی و تا اذان صبح در مکه بماند. پس می‌شود علیه دم اذا بات بشرط ان یاتی مکة‌ قبل غروب الشمس و یبقی الی طلوع الفجر فی مکة. کدام صحیحه است که این روایت صفوان را تقیید می‌زند؟ صحیحه علی بن جعفر.

صحیحه علی بن جعفر عن اخیه موسی علیه السلام عن رجل بات بمکة فی لیالی منی حتی اصبح قال علیه السلام ان کان اتاها نهارا فبات فیها حتی اصبح فعلیه دم یهریقه. سؤال کرد شخصی در مکه بیتوته کرد مثلا شب یازدهم تا صبح در مکه ماند حضرت فرمود اگر روز آمده مکه و بیتوته کرده در مکه تا اذان صبح باید کفاره شاة بدهد. خب این مفهومش چیه؟ مفهومش این است که ان لم یکن اتاها نهارا فلیس علیه دم. همین شخصی که فرض شد بیتوته کرده در مکه تا اذان صبح اگر روز نیامده باشد در مکه، شب آمده باشد در مکه، او کفاره لازم نیست بدهد. حتما کفاره را کسی می‌دهد که روز آمده باشد مکه و تا اذان صبح در مکه بماند. صحیحه صفوان که می‌گفت علیه دم اذا بات مقیَّد شد. کفاره شاة باید بدهد اذا بات فی مکة ولی به شرط این‌که اتاها نهارا حتی اصبح.

این مقدمه اولی.

[سؤال: ... جواب:] صدر صحیحه صفوان علیه دم اذا بات قید خورد: علیه دم اذا بات بشرط ان یکون اتاها نهارا؛ روز به مکه آمده باشد تا اذان صبح. پس این مقدمه اولی: علیه دم اذا بات بمکة بان اتاها نهارا فبات فی مکة حتی اصبح.

مقدمه ثانیه این است که ظاهر صحیحه صفوان که گفت ان کان انما حبسه شأن لم یکن لنوم و لا لذة و انما کان لطوافه و سعیه، ظاهر این ذیل این است که همان کاری که در صدر حدیث مطرح بود که مراد جدی چی بود؟ بیتوته کامله، علیه دم اذا بات، بیتوته کامله از اول شب تا اذان صبح. این بیتوته کامله را بخاطر مناسک حج انجام داد نه بخاطر خواب نه بخاطر لذت. امام در اینجا فرمود: ما هذا بمنزلة هذا و ما احب ان ینشق له الفجر الا و هو بمنی. ولی بهتر این است که اعمال را سریع تمام کند که اذان صبح را در منی باشد. حکم قسم اول روشن شد. حکم قسم اول روشن شد که فرض کردیم از ابتداء شب در مکه بود تا اذان صبح. مورد صحیحه صفوان همین شد.

راجع به این استدلال ایشان به نظر ما ایرادهایی هست که عرض می‌کنیم.

قبل از این‌که ایرادها را عرض کنیم. ممکن است کسی بگوید آقا چرا ایشان تکلف کرد تمسک کرد به صحیحه علی بن جعفر. علیه دم اذا بات اصلا ظهور بیتوته بیتوته کامله است. اذا بات بمکة علیه دم یعنی بیتوته کامله در مکه بکند علیه دم.

آقای زنجانی این را قبول ندارند و بیان کردند سابقا کمتر از یک نیمه شب را اگر بمانی صدق می‌کند بت فی مکة. چون روایت داشت ان خرجت بعد نصف اللیل فلایضرک ان تبیت بغیر منی. و لذا مجبور شدند از صحیحه علی بن جعفر کمک بگیرند. و ما هم که عرض کردیم بیتوته در معظم شب هم عرفا بیتوته بر آن صدق می‌کند. و بات بمکة فی لیالی منی صدق می‌کند که معظم شب را در مکه بماند. ساعت نه شب از منی خارج بشود و بیاید در مکه بماند. منحصر نیست فرض به این‌که قبل از غروب آ‌فتاب بیاید مکه. و لذا ایشان هم مجبور شد به صحیحه علی بن جعفر پناه ببرد.

اما به نظر ما این استدلال ناتمام هست.

[سؤال: ... جواب:] ما عرض کردیم علیه دم اذا بات ظهور ندارد در بیتوته کامله در مکه. و مخصوصا ذیلش که می‌گوید انما ان کان حبسه شأنه یعنی حبسه عن البیتوتة بمنی. خود صفوان فهمید که آنی که مطرح است بیتوته در منی هست. او مطرح است. انما حبسه یعنی حبسه عن البیتوتة بمنی. نتوانست بیتوته در منی بکند بخاطر طواف و سعی. و لذا این‌طور نیست که مورد این صحیحه منحصر باشد به اشتغال به اعمال حج در تمام شب. می‌خواست برود نیمه دوم را به منی ولی بخاطر اعمال حج نرفت. و حمل این روایت بر اشتغال در کل شب به اعمال حج حمل غیر عرفی است. چون متعارف نیست که آدم در تمام شب مشغول طواف و سعی و طواف نساء بشود. این حملش بر این‌که تمام شب را مشغول اعمال حج باشد و لو با در نظر گرفتن مقدمات و مستحبات حمل کنیم بر این‌که در تمام شب از ابتداء شب تا اذان صبح مشغول مناسک حج باشد این حمل بعیدی هست.

ما در هر دو مطلبی که ایشان (آقای زنجانی) فرمودند مناقشه داریم:

اما این‌که فرمودند صحیحه علی بن جعفر تقیید می‌زند صحیحه صفوان را، علیه دم اذا بات در صحیحه صفوان تقیید می‌خورد به من اتی مکة نهارا، صحیحه علی بن جعفر این را می‌گوید، آقا! اولا خود شما فرمودید و درست هم فرمودید جمله شرطیه مفهوم مطلق ندارد؛ مفهوم فی الجملة دارد. اذا زلزلت الارض فصل صلاة الآیات مفهوم مطلق ندارد که اگر زلزله نشد نماز آیات واجب نیست مطلقا و لو مخوّف سماوی باشد، و لو خسوف و کسوف باشد. همچون اطلاقی ندارد مفهوم حتی در جمله شرطیه به نظر صحیح. و اینجا مفهوم فی الجملة اذا اتی نهارا حتی اصبح فعلیه دم یهریقه این است که اگر بعد از نیمه شب بیاید، نیمه شب را در منی باشد بعد از نیمه شب بیاید این کفاره ندارد؛ چون نیمه اول را در منی بیتوته کرده. عن رجل بات فی لیالی منی حتی اصبح، می‌گیرد کسی را که نیمه شب در منی بود آمد بعد از نیمه شب در مکه تا اذان صبح خوابید، بات فی لیالی منی بمکة حتی اصبح امام می‌فرمایند اگر بعد از نیمه شب از منی خارج شده باشد این مشکل ندارد. اگر روز خارج شده باشد این باید کفاره بدهد. مفهوم فی الجملة وقتی داشت بیش از این ظهور ندارد مفهومش در این‌که می‌خواهد احتراز کند فی الجملة از بعضی از فرض‌ها. قدر متیقن این است که از آن فرضی می‌خواهد احتراز کند که بعد از نیمه شب خارج شده.

[سؤال: ... جواب:] اگر شب خارج شدی فیه تفصیل بین قبل نصف اللیل و بعد نصف اللیل.

و ثانیا بر فرض بفرمایید که این جمله اگر به تنهایی بود مفهوم داشت که اگر اول شب از منی خارج شدی و بعد در مکه بقیه شب را گذراندی کفاره نداری. آقا! این در صورتی است که این جمله شرطیه تنها باشد. روایت قرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن -که به نظر ایشان ظاهرا ثقه است به نظر ما که ثقه است چون حمیری اکثار روایت کرده در قرب الاسناد از عبدالله بن الحسن- دو تا جمله شرطیه نقل می‌کند: عبد الله بن الحسن عن جده علی بن جعفر عن رجل بات بمکة فی لیالی منی حتی اصبح قال ان کان اتاها نهارا فبات فیها حتی اصبح فعلیه دم یهریقه و ان کان قد خرج من منی بعد نصف اللیل فاصبح بمکة فلیس علیه شیء‌. حضرت دو جمله شرطیه به کار بردند. فرمودند اگر روز آمده مکه تا اذان صبح مانده، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر بعد از نصف شب از منی خارج شده و تا اذان صبح در مکه بوده چیزی بر او نیست.

ما بارها عرض کردیم اگر یک موضوعی را با دو جمله شرطیه تقسیم بندی بکنند، ظهور ندارد در مفهوم؛ بلکه ظهور دارد در تقسیم بندی. سألته عن الدم قال ان کان اقل من الدرهم فصل فیه و ان کان اکثر من الدرهم فلاتصل فیه. حالا اگر دم مساوی بود با درهم حکمش چیست؟ حکمش را بیان نکرد. دو قسم را بیان کرد: دم اقل من الدرهم دم اکثر من الدرهم. اما دم مساوی درهم حکمش بیان نشد.

و بر فرض مقتضی هم داشت این دو جمله برای مفهوم، مفهوم‌ها با هم تعارض می‌کنند. همین مثالی که زدیم. اگر ان کان اقل من الدرهم مفهوم داشت می‌گفت ان لم یکن الدرهم اقل من الدرهم فلاتصل فیه، جمله شرطیه ثانیه هم مفهوم دارد. ان کان الدم اکثر من الدرهم فلاتصل فیه مفهومش این است که ان لم یکن الدم اکثر من الدرهم فصل فیه. یکی می‌گوید ان لم یکن الدم اقل من الدرهم فلاتصل فیه، مفهوم جمله شرطیه اولی. اطلاق این مفهوم می‌گوید دم مساوی درهم معفو نیست؛ چون می‌گوید ان لم یکن الدم اقل من الدرهم فلاتصل فیه مطلقا و لو مساوی باشد با درهم. ولی اطلاق مفهوم جمله شرطیه ثانیه اگر مفهوم داشته باشد می‌گوید ان لم یکن الدم اکثر من الدرهم فصل فیه شامل این دم مساوی درهم می‌شود. یکی می‌گوید صل فیه یکی می‌گوید لاتصل فیه. تعارض المفهومین می‌شود. یا این دو تا جمله شرطیه مفهوم ندارد یا اگر مفهوم داشته باشند فی حد ذاتهما تعارض می‌کنند و بخاطر تعارض ظهور پیدا نمی‌‌کنند در مفهوم.

این مطلب را ما بر این صحیحه علی بن جعفر تطبیق می‌کنیم. سألته عن رجل بات بمکة فی لیالی منی حتی اصبح...

[سؤال: ... جواب:] می‌دانم؛ پس چرا امام آخرش فرمود: و ان کان قد خرج من منی بعد نصف اللیل فاصبح بمکة فلیس علیه شیء؟ ... ببینید! کلام در این است که در این جمله شرطیه ثانیه امام مشخص کرد که مقابل ان کان اتاها نهارا فبات فیها حتی اصبح فعلیه دم یهریقه،‌ این فقره است که ان کان قد خرجت بعد نصف اللیل من منی فلیس علیه شیء که ظاهرش این است که لیس علیه دم شاة.

پس اشکال بر امر اول این است که صحیحه علی بن جعفر ظهور ندارد در این‌که بخواهد بگوید که کسی که اول شب ساعت مثلا هشت شب به مکه بیاید و تا صبح در مکه بماند کفاره بر او لازم نیست. همچون ظهوری ندارد.

این راجع به مطلب اول.

و راجع به مطلب دوم که ایشان فرمود بعد از تقیید علیه دم اذا بات به این فرضی که از ابتداء شب در مکه باشد بعد می‌گوییم انه انما کان حبسه شأن راجع به همین فرض است. راجع به همین فرضی است که از ابتداء شب در مکه بوده است، آقا! مراد جدی از علیه دم اذا بات اگر بیتوته در تمام شب باشد در مکه این، دلیل می‌شود بر این‌که ما ظهور انه انما کان حبسه شأن را هم تصرف کنیم؟ علیه دم اذا بات ظهور نداشت در بیتوته در تمام شب؛ فوقش طبق آنچه که ما قبلا استظهار کردیم بیتوته در معظم لیل را می‌گیرد که ساعت نه شب مثلا آمده است در مکه تا اذان صبح مانده است. ظهور علیه دم اذا بات بیتوته در تمام شب در مکه نیست. و مراد جدی این هست، مراد جدی از صدر یک حدیث، ظهور ذیل حدیث را عوض می‌کند؟ چرا عوض بکند؟ ظهور ذیل حدیث این است که اگر این آقا حبسه شأنه، حبسه شأنه عن المبیت بمنی اما کی مشغول طواف و سعی شد؟ متعارف نیست که از اول اذان مغرب مشغول طواف و سعی بشود تا اذان صبح. این متعارف نیست. و اطلاق این جمله می‌گیرد کسی را که قبل از نیمه شب یا حتی قبل از اذان صبح مشغول مناسک حج شد. می‌خواست بیاید منی ولی دید مشغول مناسک حج است نه این‌که از اول اذان مغرب مشغول مناسک حج بود تا اذان صبح. مورد این صحیحه صفوان این نمی‌‌شود.

و لذا فرمایش ایشان در قسم اول تمام نیست.

ان شاء الله بقیه مطالب پس فردا.